



www.sarmaye.com

آموزش تحلیل بنیادی



مدرس: بهزاد اقبالی

درس سوم:

فهرست:

۳-۱- پول، نرخ بهره، تورم، رشد اقتصادی، بانک مرکزی

۳-۲- پول چیست؟

۳-۳- حجم پول چگونه بر جریان اقتصاد اثر میگذارد؟

۳-۴- چه شاخص هایی میزان نقدینگی را در اقتصاد نشان میدهند؟

۳-۵- رابطه تقاضای پول و نرخ بهره و تورم

وین سانی

۳-۱- پول، نرخ بهره، تورم، رشد اقتصادی، بانک مرکزی

حال پس از بحث رشد اقتصادی به موضوع بسیار مهم نرخ بهره میپردازیم که یکی از جهت دهندگان اصلی نرخ های مبادله ارز میباشد. گفتیم که نرخ بهره یکی از ابزارهای بسیار قوی برای تنظیم چرخه اقتصاد است که توسط بانک های مرکزی استفاده میشود. مفهوم نرخ بهره و رشد اقتصادی و تورم و پول با هم گره خورده اند. رشد اقتصادی را بررسی کردیم اما در این درس و ۲ درس آینده به آموزش مفهوم پول، نرخ بهره و تورم و سپس ترکیب آنها با هم خواهیم پرداخت. رشد اقتصادی و تورم جزو عوامل اقتصادی هستند و نرخ بهره و پول جزو عوامل مالی اند. از طرفی موضوع تورم با مفهوم اوراق قرضه گره خورده است بنابراین باید با اوراق قرضه نیز آشنا شویم. شما باید پس از پایان جلسه پنجم بتوانید به سوالتی این چنینی پاسخ دهید:

۱. چه ارتباطی بین تورم و رشد اقتصادی وجود دارد؟
 ۲. آیا دوره های رونق و رکود با تورم رابطه ای مستقیم دارند؟
 ۳. چگونه تغییرات سطح نرخ بهره با رشد اقتصادی و تورم تنظیم و متعادل خواهد شد؟ اثر آن بر روی بازار ارز چیست؟
 ۴. سطح تورم چه اثری بر روی بازدهی و قیمت اوراق قرضه دارد؟
 ۵. تورم موجود در ایران چه تفاوتی با تورم موجود در ایالات متحده و اروپا دارد؟
 ۶. چرا نرخ بهره در ایران ۱۲ درصد است اما در ژاپن نیم درصد؟
- و بسیاری سوالات دیگر.....

۳-۲- پول چیست؟

گفتیم اقتصاد دارای ۲ بخش است:

بخش حقیقی (ان چیزهایی که در چرخه اقتصاد دیده میشود مثل مصرف تولیدات، اشتغال و بقیه عوامل اقتصادی).
بخش پولی (ان چیزهایی که در چرخه مدور اقتصاد دیده نمیشود. مثل پول و نرخ بهره و بقیه عوامل مالی، البته از یک نظر تورم رو هم باید جزو این به حساب بیاریم اما من بالا اونو جزو عوامل اقتصادی اوردم).
تا کنون به طور صریح در مورد پول و ارتباط آن با شاخص های اقتصادی سخنی به میان نیاوردیم. اما به واقع اقتصاد دارای بخش دومی به نام بخش پولی یا مالی است و زمانی اقتصاد در تعادل قرار دارد که نه تنها بخش واقعی آن در تعادل باشد (یعنی عرضه کل اقتصاد با تقاضای کل آن برابر باشد) بلکه بخش پولی آن نیز به طور همزمان در تعادل باشد.
تا قبل از بحران بزرگ اقتصادی در سال ۱۹۳۰ تعریفی که از پول میشد چنین بود:
اولا پول وسیله ای برای تسهیل در مبادلات است.
ثانیا وسیله ای برای اندازه گیری ارزش های اقتصادی است.
ثالثا وسیله ای برای ذخیره ارزش است.

بعد از بحران بزرگ و مطرح شدن نظریات کینز، تعریف پول کامل تر شد و امروزه در تعریف پول علاوه بر وظایف سه گانه فوق، پول را عامل تحرک یا رکود فعالیت های اقتصادی نیز معرفی میکنند. در واقع قبل از کینز افکار بر حول این محور میچرخید که حجم پول موجود در جامعه تأثیری بر رونق و یا رکود در اقتصاد نخواهد داشت و کینز و پیروانش در دهه ۱۹۶۰ برای اولین خلاف این مسئله را به اثبات رساندند.
(برای مطالعه بیشتر در مورد تاریخچه پول و تکامل آن به کتاب اقتصاد کلان دکتر محمود روزبهان مراجعه کنید)

۳-۳- حجم پول چگونه بر جریان اقتصاد اثر میگذارد؟

مقامات پولی هر اقتصاد به سنجش میزان پولی که در جامعه وجود دارد نیازمند هستند. آنها به این نکته توجه دارند که میزان پول در اقتصاد به چه مقدار نقدینگی را در کشور ایجاد میکند. بخش حقیقی اقتصاد به میزان پول و حجم آن واکنش نشان میدهد. چنانچه میزان نقدینگی در اقتصادی کمتر از میزان مورد نیاز آن باشد امکان دارد تولید، درآمد و اشتغال دچار افت شود. همچنین افزایش نقدینگی بیش از حد مورد نیاز اقتصاد، ممکن است به رشد سطح عمومی قیمت‌ها (تورم) منجر شود. بنابراین پول ابزار نیرومندی در اقتصاد به شما می‌رود و میتواند تأثیرات قابل توجهی داشته باشد.

بگذارید به گونه‌ای دیگر توضیح بدهم:

بنگاه‌های اقتصادی که در هر اقتصادی مسئولیت تولید را بر عهده دارند به منابع پولی نیازمند هستند تا بتوانند سرمایه‌گذاری و تولید کنند. اگر بنگاه‌های اقتصادی (چرخه اقتصاد رو زیر نظر داشته باشید. باز هم می‌گوییم این چرخه برای درک مسئله بسیار مهم است) این منابع را در اختیار نداشته باشند و یا هزینه این منابع (مثل نرخ بهره وام‌های بانکی) زیاد باشد ممکن است نتوانند خوب سرمایه‌گذاری و تولید کنند. از این جهت اگر میزان نقدینگی به حدی نباشد که تولید کنندگان بتوانند تولید کنند در نتیجه نوعی رکود در اقتصاد ایجاد میشود. در واقع تقاضا در اقتصاد (از طرف خانوارها و دیگر بخش‌ها) وجود دارد اما عرضه (تولیدات) کم است.

از طرفی دیگر اگر میزان نقدینگی در اقتصاد به حدی افزایش یابد به طوریکه بنگاه‌های اقتصادی دیگر نیازی به این پول‌ها برای سرمایه‌گذاری نداشته باشند یا بگوییم بیش از نیاز اقتصاد نقدینگی موجود باشد آنگاه این پول‌ها از طرف دیگری حرکت خواهند کرد و تنها تقاضا برای مصرف را افزایش خواهند داد که موجب تورم میگردد. (بزرگترین دلیل تورم در ایران هم همین نقدینگی بالا در کشوره که در اثر تزریق مستقیم پول نفت در جامعه رخ داده. الان اگر دقت کنید ۵ هزار تومنی فراوان در جیب مردم میبینید و دیگه اسکناس‌های ۲۰۰ یا ۵۰۰ تومانی استفاده‌ای ندارند)

اما اگر نقدینگی به مقدار مورد نیاز اقتصاد باشد نه تنها تورمی ایجاد نمیشود بلکه یک مسئله الزامی است.

۳-۴- چه شاخص‌هایی میزان نقدینگی را در اقتصاد نشان میدهند؟

نکته‌ای بگم که ما در اینجا به توضیح تک تک شاخص‌ها نخواهیم پرداخت چون شاخص‌ها به طور کامل در کتاب بنیادهای اقتصادی در بازار ارز نوشته آقای محمد مساح وجود داره و فرض ما بر اینه که شما اون کتاب رو تهیه و مطالعه کرده اید و وقت خود را بر روی مسایل مهمتری همچون تجزیه و تحلیل آنها خواهیم گذاشت.

شاخص $M1$:

این شاخص برابر است با حجم پول + سپرده‌های دیداری

شاخص $M2$:

این شاخص برابر است با $M1$ + شبه پول

شاخص $M3$:

این شاخص برابر است با $M2$ + سپرده‌های مدت دار بیش از ۱۰۰ هزار دلار

حرف M فکر میکنم از کلمه yenoM گرفته شده است. بنابراین شاخص های M مسئول بررسی وضعیت نقدینگی در کشور میباشند. اما ۲ نکته بسیار مهم:

۱. بانک مرکزی اروپا برای بررسی وضعیت نقدینگی به M۳ توجه میکنند و در انگلستان واحد اندازه گیری حجم عرضه پول M۴ است.

۲. بانک مرکزی اروپا در تصمیم گیری های خود علاوه بر مسایل دیگر خیلی به M۳ توجه میکند و بانک مرکزی امریکا کمترین توجه را به نقدینگی و شاخص های آن دارد و در واقع بعد از سال ۱۹۸۰ امریکا اصلا به آن توجه نمیکند. بنابراین به یاد داشته باشید که برای بررسی یورو باید M۳ را نیز بررسی کنید اما برای دیگر کشورها چندان نیاز به این کار نیست. حتی بازار نیز تنها به گزارش های نقدینگی منطقه یورو توجه میکند.

۳-۵- رابطه تقاضای پول و نرخ بهره و تورم

میتوان اینگونه برداشت کرد که به طور کلی زمانی که نقدینگی افزایش می یابد با افزایش تورم روبرو هستیم و زمانی که کاهش می یابد با کاهش تورم روبرو هستیم.

در بررسی اثر سیاست های پولی و مالی تقاضای پول یکی از مولفه های آن است. منظور از تقاضا برای پول میزان مانده واقعی پول نزد افراد است. به بیان دیگر تقاضا برای پول به مفهوم آن است که افراد در هر زمان گرایش به نگهداری بخشی از دارایی خود به صورت نقد یا پول دارند. به گفته دیگر تقاضا برای پول به مفهوم جریان پول و صرف آن برای هزینه های جاری روزانه نمیشود بلکه تقاضا برای موجودی پول در هر زمان است.

در فرایند کاهش نرخ بهره توسط مقامات پولی مردم گرایش به افزایش تقاضای پول دارند چرا که در حقیقت هزینه نگهداری پول در بانک ها کاهش یافته و بهره کمتری در یافت میکنند. در نتیجه یکی از اهداف بانک مرکزی در دوران رکود از کاهش بهره نیز همین است که مردم پول های خود را از بانک ها خارج کرده و صرف مصرف یا سرمایه گذاری در دیگر بخش ها بکنند. معمولا در این در این مواقع گرایش به سمت خرید اوراق بهادار یا همان بازارهای مالی (که در نهایت موجب سرمایه گذاری در بنگاه های اقتصادی میشود) افزایش پیدا میکند. از طرف دیگر زمانی که بانک مرکزی نرخ بهره را افزایش میدهد تقاضا برای مانده واقعی پول کاهش می یابد و مردم سعی میکنند پول خود را در بانک ها سرمایه گذاری کنند چرا که بهره بالاتری نصیب آنها میشود. در نتیجه بانک مرکزی میکوشد که با افزایش بهره از افزایش پول در داخل اقتصاد جلوگیری کند تا موجب تورم نشود. البته بانک ها اقدامات بسیار دیگری هم برای جلوگیری از افزایش نقدینگی انجام میدهند. مثل انتشار اوراق بهادار دولتی که از این طریق سعی در جمع کردن پول های اضافی از سطح اقتصاد دارند. نمونه دیگر آن همین موبایل خودمون رو در نظر بگیرید. خطوط ۰۹۱۲ رو یک سال قبل از واگذاری ثبت نام میکردن. در واقع دولت با این کار سعی داشت که نقدینگی رو در جامعه کم کنه تا تورم ایجاد نشود.

بین تقاضا برای پول و نرخ بهره رابطه ای وارونه دیده میشود.

همچنین داریم:

افزایش نقدینگی در اقتصاد <<< افزایش تورم <<< افزایش بهره برای کنترل تورم

در جلسه بعدی به مفهوم نرخ بهره و تورم و بانک های مرکزی خواهیم پرداخت و روابط بین آنها را نیز بیشتر باز خواهیم کرد.

پایان درس دوم

وین، سانی